

کمال الدین محمود بخاری

و معمای جذر اصم

دکتر احد فرامرز قراملکی

از حیث فکری آبستنی تحولات عمیق است. شناختن این دوره در فهم چگونگی شکل گیری اندیشه فلسفی حوزه اصفهان به ویژه نظام فلسفی حکمت متعالیه ملاصدرا اهمیت فراوان دارد.

تفکر فلسفی/کلامی و منطقی رایج در نیمه دوم قرن دهم ویژگیهای متنوعی دارد که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱ - تفکر کلامی حوزه شیراز در دو مدرسه رقیب جلالیه و صدریه به بالندگی و بلوغ می‌رسد که آثار فراوانی نیز در موضوعات کلامی/فلسفی و فرامنطقی نگاشته می‌شود. شرح قوشچی بر تجرید خواجه همچنان کتاب درسی مهم است و حواشی متنوع بر آن و نیز بر حواشی پیشروان حوزه شیراز، یعنی حواشی دوانی، دشتکی و خفری و نیز حواشی بر رساله‌های اثبات الواجب صدرنشینان این حوزه نگاشته می‌شود.

۲ - آثار منطقی مورد بحث در این دوره، اعم از آثار درسی و منابع مورد شرح، تعلیقه و نقد؛ به سنت منطق دو بخشی سینایی (و نه نه بخشی ارسطویی و یا سبک تلفیقی) است.^۱ تهذیب المنطق تفتازانی (۷۹۴-۷۲۲هـ.ق) برای نوآموزان منطق، شرح قطب الدین رازی (۷۶۷-۶۸۹هـ.ق)، بر رساله شمسیه کاتبی قزوینی (۶۷۵-۶۱۷هـ.ق) برای متوسطان و شرح رازی بر مطالع الانوار سراج الدین ارموی (۶۸۲-۵۹۴هـ.ق) برای سطوح عالی آموزش منطق کتب درسی بوده است. علاوه بر آنها، شرح «القسطاس» شمس الدین محمد سمرقندی (۷۰۹-۶۳۸هـ.ق) و نیز «المحاکمات» بین شرحی «الاشارات» رازی نیز منابع مورد بحث، نقد و شرح بوده‌اند.

۱- در تفصیل سخن در باب منطق دو بخشی سینایی، مراجعه کنید به: فرامرز قراملکی احد. «الاشارات و التنبیهاات سرآغاز منطق دوبخشی»، آینه پژوهش، ش ۲۴.

چکیده:

نیمه دوم قرن دهم هجری دوره انتقال حوزه فلسفی شیراز به اصفهان است. در این دوره نگارش رساله‌های مستقل در باب معماهای منطقی آغاز و به سرعت رواج می‌یابد و موضوع مباحث درسی می‌گردد. رساله آغازین در این سنت نوین، مغالطات کمال الدین محمود بخاری است که توسط فرزندش عصمه الله مورد شرح قرار گرفته است. تعریف مغالطه، طبقه‌بندی مغالطات، جستار در تحلیل معماهای منطقی و سعی در ابداع معماهای جدید از تلاشهای علمی این دوره است.

دو رساله «آداب مناظره» و «سی مغالطه» به ترتیب از میرفخرالدین حسینی و میرفضل الله استرآبادی در تداوم همین سنت مغالطه پژوهی پرداخته شده است. بحث از معمای جذر اصم در همه این آثار طرح می‌شود. تحلیلهایی که در این دوره از معمای جذر اصم ارائه شد پیشرفت قابل توجهی را نشان نمی‌دهد و بیش و کم گزارش مباحث بسیار جلدی دوره آغازین حوزه فلسفی شیراز است.

اهمیت نیمه دوم قرن دهم در تاریخ فلسفه

تاریخ پرفراز و نشیب تفکر فلسفی/منطقی در فرهنگ اسلامی مواضع پنهان و ناشناخته فراوانی دارد؛ مواضعی که بدون شناخت دقیق آنها نه تنها تدوین تاریخ دانش منطق میسر نیست بلکه فهم تطور تاریخی مسائل منطقی نیز مقدور نمی‌گردد.

یکی از مواضع مبهم در تاریخ منطق، وضعیت نیمه دوم قرن دهم هجری است. دوره‌ای که حوزه فلسفی شیراز به تدریج به افول می‌گراید و حوزه فلسفی اصفهان رونق می‌گیرد. دوره‌ای که از حیث سیاسی/اجتماعی، بحرانی و

همه این آثار به سبک منطق دویخی تدوین شده‌اند.

۳- توجه به مغالطات و معماهای منطقی به تأثر از شرح القسطاس سمرقندی در این دوره رواج دارد. وجود نسخ خطی بخش مغالطات شرح سمرقندی که در این دوره استنساخ شده‌اند،^۲ نشان می‌دهد که بحث از معماهای منطقی اهمیت فراوانی یافته است. تک نگاره‌های فراوانی از نیمه دوم قرن دهم تا اواخر حوزه فلسفی اصفهان در باب معماهای منطقی پرداخته شده‌اند. بحث از تعریف مغالطه، طبقه‌بندی معماها، تأمل در راه حل‌های پیشینیان و در تحلیل آنها و جستار از راه حل موفق و نیز طرح معماهای نوین و یا تقریر پیچیده و ارائه صورت‌های تقویت شده به معماهای رایج، مسائل چنین رساله‌هایی است.

□ رساله آغازین در این سنت نوین، مغالطات کمال الدین محمود بخاری است که توسط فرزندش عصمة الله مورد شرح قرار گرفته است. تعریف مغالطه، طبقه‌بندی مغالطات، جستار در تحلیل معماهای منطقی و سعی در ابداع معماهای جدید از تلاشهای علمی این دوره است.

تک نگاره‌هایی در مغالطات

نگارش رساله مستقل در مغالطه در دوره‌های پیشین نیز مرسوم بوده است و رساله‌ای نیز از ابن سینا (۴۲۸-۳۷۰ ه. ق) گزارش شده است.^۳ اما طرح مدون و مؤکد آن به ویژه طرح معماهای منطقی در قالب مغالطات در این دوره رونق یافت. رواج روی آوردن دانشمندان به معماهای منطقی در حدی بود که برخی از تک نگاره‌ها به عنوان متن درسی، مورد بحث قرار گرفت. رساله مغالطات کمال الدین محمود بخاری، رساله سی مغالطه میر فضل الله استرآبادی و رساله در مناظره فخرالدین حسینی نمونه‌هایی از این رساله‌های مستقل در باب معماهای منطقی هستند. پیش از پرداختن به گزارش رساله بخاری که موضوع گفتار حاضر است. به اجمال سه رساله دیگر گزارش می‌گردد:

* سی مغالطه: سیدمیر فضل الله استرآبادی فرزند سیدمحمد کیا حسینی از دانشمندان شیعی در دو سده دهم و یازدهم است. وی در دوران دولت شاه طهماسب

صفوی می‌زیست و از شاگردان شیخ احمد اردبیلی معروف به مقدس اردبیلی است. مقدس اردبیلی در نیمه دوم قرن دهم می‌زیسته و در مدرسه منصوریه شیراز تحصیل کرده است.^۴ رساله وی در مغالطات را بسیاری از دانشمندان گزارش کرده‌اند. مؤلف ریاض العلماء نسخه‌ای از آن را در رشت دیده^۵ و آقا بزرگ تهرانی نیز نسخه‌ای از آن را گزارش کرده است. رساله مغالطات استرآبادی به نام سی مغالطه نیز خوانده شده است؛ زیرا مشتمل بر بیان و حل سی معمای منطقی است. آقا بزرگ تهرانی، اگر چه رساله «حل المغالطات الثلاثین» را جدا از رساله المغالطات استرآبادی ذکر کرده اما تصریح می‌کند که این دو عین هم می‌باشند.^۶ نسخه‌ای ناقص از این رساله که در سده یازدهم نگارش یافته در مجموعه شماره ۱۶۴۳، دفتر هفتم، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد، (ص ۱۰۰ پ، ۱۰۷ پ).

رساله سی مغالطه با مقدمه‌ای در بیان تعریف مغالطه و طبقه‌بندی آنها بر حسب اسباب مغالطه به روش متداول آغاز می‌شود و در سه باب، معماهای منطقی را مورد بحث قرار می‌دهد. باب اول شامل بر پنج مغالطه زبانی است و باب دوم بیست مغالطه منطقی (معنایی) را مورد بحث قرار می‌دهد و باب سوم از پنج مغالطه‌ای که در اثبات هر مدعایی قابل بکار بردن هستند سخن می‌گوید.^۷ معمای جذر اصم، یازدهمین مغالطه از معماهای باب دوم است. استرآبادی در بیان این معما تنها به تقریر ساده و متداول معما (کل کلامی فی هذا الیوم کاذب) بسنده می‌کند و بر مبنای اینکه صدق و کذب پذیری این گزاره موجب اجتماع تقیضین می‌شود به طرح معما می‌پردازد. وی به هفت راه حل، بدون ذکر صاحبان آنها اشاره می‌کند و خود راه حلی ارائه نمی‌کند. راه حل‌های مورد گزارش؛ آراء تفتازانی، ابن کمونه، خواجه طوسی، سمرقندی، میرسید شریف جرجانی، دشتکی و دوانی است.

۲- نمونه‌ای از این نسخ خطی تحت عنوان رساله فی الفلظ والمغالط در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، شماره ۱۲۱۴۵ وجود دارد.

۳- آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، (بیروت، بی‌تا)، ج ۲۱، ص ۲۹۱.

۴- در تفصیل سخن در خصوص میرفضل الله استرآبادی، مراجعه کنید به: آقا بزرگ تهرانی، طبقات الاعلام الشیعه، احیاء الدائر من القرن العاشر، تحقیق علی نقی منزوی، (انتشارات دانشگاه تهران)، ص ۱۸۱، امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، بیروت، ج ۸، ص ۴۰۱.

۵- اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العماء و حیاض الفضلاء، به اهتمام سیدمحمد مرعشی، قم، ج ۴، ص ۳۶۳ و ۳۶۲، وج ۵، ص ۱۱۷.

۶- الذریعة، ج ۲۱، ص ۷۶.

۷- این رساله را در حالی حاضر سیده لیلی حجازی به راهنمایی نگارنده تصحیح می‌کند.

* آداب مناظره: رساله آداب مناظره یا قواعد مناظره را فخرالدین محمد بن حسین حسینی استرآبادی از دانشمندان قرن دهم نوشته است. معروفترین اثر وی حواشی بر شرح میبیدی بر هدایه اثیرالدین ابهری است که وی آن را به سال ۹۲۸ به پایان رسانده است (این اثر به حواشی فخریه معروف است).^۸

فخرالدین حسینی در آغاز رساله می‌گوید: «این [نوشتار] خلاصه مباحث ضروری از مسائل مناظره است. برای کسانی که در علوم گوناگون خوض دارند، نوشته نیازمند به بخشایش خداوند غنی؛ محمدبن حسین معروف به فخرالدین حسینی است که در پاسخ درخواست برخی از دوستان خردورز تحریر یافته است». رساله پس از ذکر مقدمه‌ای در باب تعریف مناظره و برخی احکام آن به طرح هیجده معمای منطقی می‌پردازد که پانزدهمین مغالطه به شبهه جذر اصم اختصاص دارد. وی می‌گوید: دانشمندان این مغالطه را از سخت‌ترین معماها دانسته‌اند و با اعتراف به حل ناپذیری آن، نام جذر اصم بر آن نهاده‌اند؛ در حالی که چندان صعوبتی نیز در این معما وجود ندارد. زیرا اجتماع صدق و کذب ناشی از صادق یا کاذب انگاری این معماست در حالیکه این گزاره (کل کلامی کاذب) نه صادق است و نه کاذب. صدق و کذب پذیری قضایا، قطع نظر از خصوصیت موضوع و محمول است؛ اما قضیه‌ای با توجه به موضوع و محمول خاص ممکن است نه صادق باشد و نه کاذب.

همانگونه که مؤلف در حواشی اشاره می‌کند، این راه حل در اصل همان راه حل دوانی است اما تفاوت‌های قابل توجهی نیز با آن دارد. مؤلف در واقع سعی کرده است مواضع خلل راه حل دوانی را برطرف کند.

چندین نسخه از این رساله قابل گزارش است: دفتر اول، مجموعه شماره ۴۴۱ (عربی) کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ و دفتر دوم مجموعه شماره ۱۵۹ کتابخانه عمومی اصفهان (این مسکوبه)؛ و نیز نسخه خطی شماره ۴۰۸ همان کتابخانه. عنوان رساله در این نسخه قواعد المناظره آمده است.

* المغالطة و النکات و الفوائد: این رساله به وسیله مؤلفی ناشناخته نوشته شده و شامل ۵۰ مغالطه و معمای منطقی/فلسفی و فقهی است که ظاهراً به دستور امیر عمادالدین یحیی گردآوری شده است. مغالطه چهل و سه از این رساله به معمای جذر اصم مربوط است. مؤلف در تقریر معمای جذر اصم صورت تقویت شده امسی و غدیی را مطرح می‌کند و آنگاه پاسخ مبتنی بر اصل تمایز خیر و مخبر عنه را که اساساً از خواجه طوسی (۵۹۸-۶۷۲ ه.ق) است به میان می‌آورد: اخبار از خبر سه امر متغایر را لازم دارد: خبر ۱، خبر ۲ و مخبر عنه خبر ۱؛

حال آنکه در گزاره معمای دروغگو سه امر متغایر وجود ندارد. پس این گزاره نه صادق است و نه کاذب.

مؤلف با تفکیک تغایر بالذات و تغایر بالاعتبار این راه حل را مورد نقد قرار می‌دهد. اگر مراد از تغایر، تغایر بالذات باشد، قول به لزوم مراد متغایر در اخبار از خبر، غیر قابل قبول است و اگر مراد تغایر بالاعتبار است، چرا نتوان گفت که در معمای دروغگو چنین تغایری وجود دارد؟ خود مؤلف پس از نقد راه حل یاد شده، راه حل دیگری را ذکر نمی‌کند.

نسخه‌ای از این رساله (به عربی) در دفتر هفتم مجموعه شماره ۵۰۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد.

مغالطات بخاریه و شرح آن

کمال الدین محمود بن نعمه الله (نعیم) بخاری (۸۸۵ ه.ق / ۱۴۸۰ م - ۹۴۷ ه.ق / ۱۵۴۰ م) از مدرسان و محققان قرن دهم هجری است. وی در سنت تفکر فلسفی و کلامی شیراز تربیت یافته و در همان سنت به تحقیق و تدریس پرداخته است. اگر چه آقا بزرگ تهرانی یکی از رسائل وی را به عنوان اثری از شیعه در الذریعه آورده است اما در احیاء الدائر به اسم وی اشاره‌ای نمی‌کند. نیکلاس رشر به استناد به بروکلمان^۹ از وی به عنوان یکی از منطق دانان فارسی که حوالی سال ۱۵۲۰ میلادی از مراجع فلسفی کلامی بوده است نام می‌برد.^{۱۰}

کمال الدین بخاری، بنا به تصریح خود در رساله مغالطات نزد قراوداد خواجوی (حدود ۹۴۸-۸۸۰ ه.ق) از مدرسان معروف منطق و کلام آن دوره درس خوانده است. قراوداد از اهالی تبریز است اما درس خوانده شیراز و مانند همه تحصیل کردگان شیراز در آن دوره بر تهذیب المنطق تفتازانی و حواشی میرسید شریف جرجانی بر شرح مطالع، حاشیه و تعلیقه دارد.^{۱۱} بخاری آثار متعددی دارد از جمله: حاشیه بر شرح شمسیه، حاشیه بر شرح مطالع، رساله‌ای در علم^{۱۲} و رساله‌ای در مغالطات که به نام المغالطات البخاریه

۸- احیاء الدائر، ص ۱۷۹.

9- Brockelmann, Carl. Geschichte der arabischen litteratur, weimar, 1890, vol.I, 466.

10- Rescher, Nicholas, the Development of Arabic Logic, University of pittsburgh press, 1964, p.250.

و نیز: رشر نیکلاس، تطور المنطق العربی، ترجمه الدكتور محمدمهران (دارالمعارف، مصر، ۱۹۸۵)، ص ۵۵۲.

۱۱- حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، ج ۲، ص ۱۷۱۷.

۱۲- بروکلمان و رشر نامی از این رساله نبرده‌اند. نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی در قم موجود است.

معروف است و فرزند وی، عصمة الله بخاری بر آن تعلیقه‌ای مفصل نوشته است که متن و شرح به تفصیل گزارش می‌شود.

رساله مغالطات به سبک بخش انضمامی شرح القسطاس تدوین شده است. بخاری ابتدا به منزله مقدمه به تعریف مغالطه می‌پردازد. وی تعریف میرصدرالدین دشتکی را از حواشی وی بر شمسیه نقل کرده و مورد نقادی قرار می‌دهد اما به طبقه‌بندی اسباب مغالطه نمی‌پردازد. آنگاه معماهای منطقی را در دو بخش - دقیقاً به تبع سمرقندی در قسطاس - طرح می‌کند: مقصد اول مغالطات عام است و بخش دوم مغالطات خاص. مراد از مغالطات خاص معماهای متعلق به علوم و فنون متعدد است. بخش اول (مغالطات عام) خود بر دو قسم، معما مشتمل است: معماهایی که به اجتماع نقیضین می‌انجامد و معماهایی که به ارتفاع نقیضین می‌انجامد.

نسخ متعددی از این رساله در دست است^{۱۳} و تعدد نسخه نشانگر اهمیت آن است. بنا به گزارش آقا بزرگ تهرانی، متن درسی بوده است. به عنوان مثال قاضی نظام از مدرسان منطق، این رساله را تدریس می‌کرده و ملاحظات تکمیلی وی بر رساله بخاری را یکی از شاگردانش تدوین کرده است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (به شماره ۶۶۸۵/۲) موجود است. از شرح فرزند بخاری بر رساله مغالطات نیز نسخ متعددی وجود دارد^{۱۴} که در حال حاضر مجموعه رساله مغالطات بخاری، شرح فرزند وی و تقریر درس قاضی نظام در دست تصحیح است.^{۱۵}

فرزند مؤلف، محمد عصمت الله بخاری تعلیقه‌ای مفصل بر رساله پدر نوشته است، این تعلیقه به عنوان شرح رساله مغالطات بخاریه معروف است. دلیل این شهرت به سبک شارح بر می‌گردد. وی اگر چه تعلیقه‌ای بصورت [قوله] «نگاشته است اما برای حفظ کلیت رساله عبارتهای مؤلف را به صورت کامل در آغاز هر مبحثی با تعبیر قال رحمه الله می‌آورد و به تعلیقه خود صورت شرحی قال، أقول می‌دهد.

جهت‌گیری تعلیقات وی بیان توضیحاتی بر آراء مؤلف و رفع انتقادهای وارد بر آن است و بندرت متضمن ملاحظات انتقادی است. همان گونه که برخی از محشیان ذکر کرده‌اند، تعلیقه محمد عصمت الله نشانگر این نیست که وی بر مبانی منطقی و تاریخ تطور مسائل آن وقوف لازم داشته باشد.

معمای دروغگو و رساله مغالطات

کمال الدین بخاری هشتمین مغالطه از قسم نخست

مغالطات بخش اول را به معمای جذر اصم اختصاص داده است. یعنی آن را به عنوان مغالطه عام و رافع اصل امتناع اجتماع نقیضین می‌داند. تقریری که او ارائه می‌دهد، صورت ساده متداول است:

الوجه الثامن انه إذا قال قائل «كل كلام صدر عني في هذا اليوم فهو كاذب» ولم يصدر عنه إلا هذا الكلام، يلزم اجتماع النقيضين لأن هذا الكلام إن قُرض صدقه يلزم كونه كاذباً لكونه فرداً من أفراد الموضوع في قوله «كل كلام صدر عني في هذا اليوم فهو كاذب». «وإن قُرض كذبه كان صادقاً لثبوت نسبة الكذب إلى موضوعه في نفس الامر في هذا اليوم. فيلزم صلي تقدير صدقه كذبه و على تقدير كذبه صدقه. و هو اجتماع النقيضين».

راه حل بخاری این است: در این تردید که گزاره یادشده صادق است یا کاذب با انتخاب هر دو طرف می‌توان معما را حل کرد؛ و این راه حل آشکارا با دیدگاه کسانی چون خواجه طوسی، دشتکی و دوانی که معتقدند این گزاره نه صادق است و نه کاذب، فرق دارد. بخاری در خصوص شق اول توضیحی نمی‌دهد و به دعوت به تأمل جدی بسنده می‌کند اما در خصوص شق دوم سخنی دارد که دقیقاً دیدگاه کاتبی در شرح کشف الحقائق و شرح الملخص است:^{۱۶}

وحلّه أن نختار الشق الثاني. إذ صدق هذه القضية عبارة عن اجتماع صدقتها وكذبها معاً فيكون كذبها باتتفاء هذا المجموع ولا يلزم من اتتفاء هذا المجموع أن يكون هذه القضية صادقة؛ تأمل. و يمكن حلّه باختيار الشق الاول أيضاً بالتأمل التام، فتأمل جداً.

پیش از این در خصوص این راه حل و مواضع خلل آن بحث شده است^{۱۷} که به همین علت به ذکر عین عبارتهای

۱۳- از جمله، نسخه‌ای در آستان قدس رضوی، تحت عنوان رساله فی المغالطات الغریبه نوشته محمود بن نیم بخاری که در قرن دوازدهم با خط شکسته بدون نقطه نوشته شده است. این نسخه جزو اهدایی و وقف مقام معظم رهبری به تاریخ ۱۳۷۴ با شماره ۲۲۰۲۱ ثبت شده است.

۱۴- از جمله، نسخه آستان قدس رضوی با خط نستعلیق به شماره ۱۱۰۴.

۱۵- مجموعه یاد شده توسط خانم مینا فخاری و به راهنمایی نگارنده و مشاوره دکتر مقصود محمدی به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی کرج در دست تصحیح و تحقیق است.

۱۶- کاتبی، جامع الدقائق فی کشف الحقائق (ابهری)، نسخه خطی مجموعه ۱۶۲ دارالکتب المصریه، ورق ۷۰۴، ۷۰۳. و کاتبی، المنصص فی شرح الملخص (فخر رازی)، منطق، بخش دوم، تصحیح قربانعلی رحیم اوغلی، به راهنمایی احد فرامرز قراملکی، کرج، ۱۳۷۵، ص ۳۸۳. کاتبی این راه حل را و امدا استاد خود ابهری در کشف الحقائق است.

۱۷- فرامرز قراملکی، احد. «معمای جذر اصم نزد منطق دانان»

بخاری که برگرفته از کاتبی قزوینی است (به استثناء و می‌توان حله با اختیار الشق الاول) بسنده می‌شود. روشن است که بخاری برخلاف سنت رایج در آغاز حوزه فلسفی شیراز راه حلهای پیشینیان را گزارش نکرده و به کسی از جمله کاتبی ارجاع نداده است. همچنین روشن است که رساله بخاری در این مسئله پیشرفت قابل اشاره‌ای را نسبت به دوره آغازین حوزه شیراز نشان نمی‌دهد.

توضیحات شارح

شارح رساله مغالطات نکات متنوعی را در خصوص معمای دروغگو بیان کرده است:

یک - شارح به صعوبت و سختی این معما اشاره کرده و سخن تفتازانی را با ارجاع به وی نقل می‌کند: «هذه مغلطة تحيّر في حلّها عقول العقلاء و فحول الأذكياء»^{۱۸}.

دو - وجه تسمیه این معما به اسم شبهه جذر اصم از مباحث جالب شارح است. شارح سه دیدگاه را محتمل دانسته است:

دیدگاه اول: حل معمای دروغگو همانند جذر عدد اصم دارای صعوبت است و لذا آن را جذر اصم نامیده‌اند. این دیدگاه را وی از تفتازانی نقل می‌کند اما توضیحی که می‌آورد نشانگر تصور ناقص از جذر و اصم به عنوان مفاهیم ریاضی است (این نکته را برخی از محشیان شرح نیز گفته‌اند). گزارش عبارت شارح خالی از نکته نیست: «و ذلك بناء على عجز العقلاء عن حلّها كعجزهم عن معرفة الجذر الاصم»^{۱۹} و الجذر اصل الشيء و قال في المذهب الجذر اصل الحساب و الأصم عدد ليس له كسر من النصف الى العشر كأحد عشر و ثلث عشر. و نقل عن بعض كتب علم الحساب انه لا تعرف الجذر الاصم إلا الله و نقل عن بعض الحكماء انه يستح بقوله سبحانه من لا يعرف الجذر الأصم إلا هو».

دیدگاه دوم: شارح در وجه تسمیه نقل می‌کند که جذر اصم در لغت به معنای برکندن بُن و ریشه است و چون اصل امتناع اجتماع نقیضین بُن و ریشه اندیشه است و این معما در مقام برکندن چنین ریشه‌ای است، لذا آن را جذر اصم نامیده‌اند. بر مبنای چنین تحلیلی از واژه‌های جذر و اصم - که شارح به استناد به صراح آن را به میان می‌آورد - احتمال دیگری نیز می‌توان داد و آن اینکه معمای جذر اصم در واقع بر شاخه نشستن

و ریشه را کنندن است. مثالی که در ادبیات اخلاقی و زهدی رایج است.

دیدگاه سوم: در وجه تسمیه از نظر شارح، تسمیه شیء به اسم مبدع و مخترع آن است. طراح معمای جذر اصم، فردی بود جذر نام که شنوایی خود را از دست داده بود و لذا جذر اصم نامیده می‌شد و به همین ترتیب معما را جذر اصم نامیده‌اند. مانند تصویری که از وجه تسمیه ایساغوجی پنداشته شده است. شارح این احتمال را قابل قبول نمی‌داند زیرا طراح این معما این کمونه بغدادی^{۲۰} از ملحدان است.^{۲۱}

سه - شارح همچنان تقریر مؤلف از معما را توضیح می‌دهد و به تقریر دیگر و صورتهای تقویت شده معما اشاره نمی‌کند.

چهار - شارح در بحث از حل معما به گزارش راه‌حلهای دیگران می‌پردازد، گویی راه حل مصنف را قریب به توفیق نمی‌یابد. راه‌حلهایی که وی گزارش می‌کند: بیان تفتازانی، راه حل صدرالدین دشتکی و تدبیر جلال الدین دوانی است. البته پیش از این نگارنده در خصوص هر سه دیدگاه به تفصیل سخن گفته^{۲۲} و رساله‌های دشتکی^{۲۳} و دوانی^{۲۴} در حل معمای جذر اصم را در دسترس اهل تحقیق قرار داده است و بالأخره لازم به ذکر است که شارح هیچگونه ملاحظه تکمیلی یا انتقادی بر راه‌حلهای یاد شده ارائه نمی‌کند. □

۱۸ - قرن هفتم، خردنامه صدر، ش ۷، خرداد ۱۳۷۶، ص ۷۷-۷۵.
۱۹ - تفتازانی. شرح المقاصد، (بیروت، ۱۴۰۹ ه. ق.)، ج ۱، ص ۲۸۶، ۲۸۷.

۲۰ - تعبیر الجذر الاصم دلیل بر تصور ناقص شارح از این مفهوم ریاضی است. البته همه نسخ چنین است و تکرار آن دو عبارت شارح نشانگر صحت نسخ است. تعبیر درست جذر الاصم است به صورت مضاف و مضاف‌الیه.

۲۱ - در نقد اینکه طراح این معما این کمونه است به گفتار نگارنده متن در این باب مراجعه کنید: فرامرز قراملکی، احد. «معمای جذر اصم نزد متکلمان»، خردنامه صدر، ش ۶، ص ۷۳، ۶۷.

۲۲ - در نقد ملحد انگاری این کمونه بغدادی مراجعه کنید به مقدمه مصحح التفتیحات: ابن کمونه. التفتیحات فی شرح التلویحات، مقدمه و تصحیح سید حسین سید موسوی، به راهنمایی دکتر ابراهیمی دبنانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴-۵.

۲۳ - فرامرز قراملکی، احد. «معمای جذر اصم در حوزه فلسفی شیراز»، خردنامه صدر، ش ۴، ص ۸۵-۸۰.

۲۴ - میرصدرالدین دشتکی رساله‌های متنوعی در باب معمای جذر اصم نوشته است. رساله‌ای که شارح از آن نقل کرده است در اصل حواشی وی بر شرح جدید تجرید (شرح قوشچی) است: میرصدرالدین دشتکی. رساله فی شبهه جذر الاصم، تصحیح و مقدمه احد فرامرز قراملکی، خردنامه صدر، ش ۶ و ۵، ص ۸۴-۷۲.

۲۵ - جلال الدین دوانی. نهاية الکلام فی حل شبهه جذر الاصم، تصحیح و مقدمه احد فرامرز قراملکی، نامه مفید، ش ۵، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۲۲-۱۱۳.